اورهان پاموک بار دیگر بازار کتاب ایران را تحت تأثیر قرار داد

کاش ایرانی بودم...

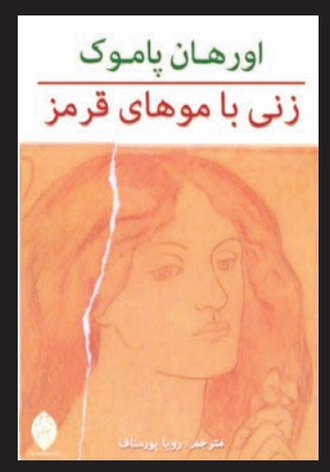

رمان‌های زیادی از اورهان پاموک در ایران ترجمه شده و تمام آن‌ها هم بین مخاطبان ایرانی اقبال داشته. حتی داستان‌های کوتاه این نویسنده اهل ترکیه نیز در ایران خواننده دارد. رمانی که به تازگی از او در ایران منتشر شده «زنی با موهای قرمز» است که این رمان هم در مدتی کوتاه به چاپ دوم رسیده. قطعا تمام این‌ها به شیوه داستان‌گویی پاموک برمی‌گردد اما نزدیکی‌ها و اشتراکات فرهنگی هم بی‌تأثیر نیست. به‌خصوص اظهار نظرهای پاموک درباره ایرانیان، محبوبیتی ویژه برایش داشته. وقتی می‌گوید: «من دوست داشتم نویسنده‌ای ایرانی باشم». چنین جمله‌ای از زبان کسی که برنده نوبل ادبیات را به خود اختصاص داده بسیار قابل تأمل و خوشایند است. «زنی با موهای قرمز» با ترجمه رویا پورمناف از سوی نشر «هونار» چاپ شده.

امروز هم داستان خوبی نوشته‌ای

نازنین جودت
نویسنده

«فردا داستان خوبی می‌نویسم» نخستین مجموعه داستان سپیده ابرآویز است که سال ۹۴ توسط نشر ثالث وارد بازار کتاب شد.

یادداشتم را با عنوان مجموعه شروع می‌کنم. اسم مجموعه یا رمان یکی از مهم‌ترین آیتم‌های جذب مخاطب است، به‌خصوص در مواردی که نویسنده نخستین کتابش را چاپ کرده و مخاطب کتاب‌های داستانی او را نمی‌شناسد. سپیده ابرآویز با انتخاب این عنوان مشتری‌ای را که روی پیشخوان کتاب یا قفسه کتاب‌فروشی دنبال خرید کتاب تازه‌ای است، به سمت مجموعه‌اش می‌کشاند و ذهن او را درگیر این مسأله می‌کند که نویسنده چه نوشته و چرا نوشتن داستان بهتر را به فردا موکول کرده؟ همین وسوسه مخاطب را به تورق وامی‌دارد و اگر چند پاراگراف از مجموعه را بخواند، کتاب را می‌خرد؛ چون نثر، زبان و کشش روایت‌ها او را به این باور می‌رساند که نویسنده داستان‌های خوبی نوشته است.

گفتمان غالب در نخستین مجموعه ابرآویز زن و دغدغه‌های اوست. شاید در نگاه نخست موضوع کمی کلیشه‌ای به نظر بیاید، اما مگر ادبیات زنان ایران چندسال است که پا گرفته و نویسندگان زن به صورت جدی نوشتن را دنبال می‌کنند؟ آغازگر این راه سیمین دانشور عزیز بود با کتاب «سووشون». از زمان چاپ آن کتاب (۱۳۴۷) تا به امروز هنوز ۵۰سال هم نشده، اما در همین بازه زمانی که برای شکوفایی هنر به‌ویژه هنر ادبیات و نوشتن زمان کمی است، کارهای درخور و ماندگاری توسط نویسندگان زن خلق شده که اتفاقا بیشتر آنها به دغدغه‌های زنانه پرداخته‌اند. مگر این همه‌سال که مردان از دغدغه‌های مردانه نوشته‌اند کسی اعتراضی کرده؟ مهم این نیست که دغدغه‌های جنس زن یا مرد مدنظر نویسنده باشد و به آن بپردازد، مهم پرداختی نو و متفاوت از موضوعی تکراری است. این اتفاق در مجموعه داستان «فردا داستان خوبی می‌نویسم» افتاده است. نویسنده قبل از ورود به فضای ادبیات داستانی و آشنایی با کارگاه‌های داستانی و نوشتن، در زمینه‌های هنری دیگری فعالیت داشته و همین امر باعث شده با تجربه‌ها و دید بهتر و وسیع‌تری وارد ادبیات شود و حرف‌های تازه‌ای برای گفتن داشته باشد.

در داستان‌های ابرآویز ما با زن‌هایی در سنین مختلف از طبقات اجتماعی مختلف و با ایدئولوژی‌های متفاوتی آشنا و اتفاقا با آنها همراه می‌شویم و باورشان می‌کنیم و این زیر سایه تجربیات و تعاملات اجتماعی بوده که نویسنده پیش از نوشتن داشته است.

نویسنده لوکیشن‌های داستان‌هایش را محدود به فضای آپارتمان نمی‌کند و داستان در فضاهایی متفاوت تجربه می‌شود: در آسایشگاه روانی، در تاکسی، پزشکی قانونی، ایستگاه اتوبوس، خانه‌ای قدیمی و . . . . این متفاوت بودن را با نوشتن داستان ژانری هم تجربه می‌کند. در این مجموعه هم داستان واقعگرا داریم، هم واقعگرای اجتماعی و هم داستان علمی - تخیلی. ابرآویز حتی در زمان داستان‌هایش هم از یکنواختی دوری کرده است. ما در مجموعه داستان‌هایی از دهه ۶۰ و فضای پشت جبهه و دغدغه مردم آن روزگار داریم تا داستان‌هایی که به حال این روزهای ما بسیار نزدیک است. او از عهده پرداخت شخصیت‌هایی که یکی، دو نسل از او قبل‌تر بودند و ساختن فضای آن روزگاران هم برآمده است.

اما با کنار هم گذاشتن داستان‌ها و پیدا کردن مشترکات آنها می‌شود به این نتیجه رسید که مجموعه از دغدغه‌های زنانه می‌گوید تا ذهن من خواننده را به این حقیقت معطوف کند که حضور جنس مرد در زندگی زنانی که با مسائل و مشکلاتی مواجه شده‌اند که همانا گره‌های اصلی داستان‌هاست؛ چقدر کمرنگ و در سایه است. مردان مجموعه «فردا داستان خوبی می‌نویسم» یا غایبند یا حضوری کمرنگ و سایه‌ای دارند و اگر هستند هم با خیانت، تجاوز یا آزار و اذیت دختران و زنانِ داستان‌ها باعث به وجود آمدن درد و رنج بیشتری می‌شوند.

برای نمونه مردی هر روز قبل از رفتن سر کار در خانه را به روی همسرش قفل می‌کند و زن با رویاهایش و فرو رفتن در خلسه‌ای که او را از تنهایی و اسیری در خانه رها می‌کند، وقتش را می‌گذراند تا زندان‌بانش برگردد و در سلولش را باز و رویای او را تکه‌پاره کند؛ یا دختربچه‌ای که مورد سوءاستفاده جنسی مردی قرار می‌گیرد که به مادرش اظهار عشق و علاقه می‌کند و مواردی از این دست. داستان پایانی مجموعه داستانی علمی - تخیلی، بسیار شیرین و خوش‌روایت است. انگار که نویسنده خواسته باشد که به همه زن‌های داستان‌هایش نوید انتقامی بدهد با دستگاهی که طراحی می‌کند. فضای داستان آخر لحظات خنده‌ستانی دارد که از رنج و اندوهی که در داستان‌های دیگر است و مخاطب را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، کم می‌کند. در این مجموعه نویسنده تلاش کرده تا بیشتر به درون شخصیت‌ها بپردازد و از درگیری‌های ذهنی زنان بگوید تا مسائل عینی و چیزهایی که نمود بیرونی دارند و در بیشتر داستان‌ها موفق عمل کرده و خواننده را درگیر روایتش می‌کند.

سپیده ابرآویز در مجموعه نخستش نشان داده که حرف‌های زیادی برای گفتن دارد و ذهن داستان‌گو و قصه‌پردازش در این کار به او کمک می‌کند. ابرآویز امروز هم داستان خوبی نوشته است. خیلی به قولی که برای فردا داده اعتماد نکنید و مجموعه‌اش را بخوانید.

آوای خوش دلدادگی

منیژه قربانی/نشر ترفند

نویسنده در این کتاب به گونه‌های مختلف عشق می‌پردازد، ازجمله عشق زن و مرد در قالب داستان‌های شیرینی چون «بیژن و منیژه» و «زال و رودابه» از شاهنامه فردوسی. در داستان «سلامان و ابسال» مراحل سیر و سلوک مینوی و عرفانی را از فرزانه بزرگ ایرانی «ابن‌سینا» بیان می‌دارد. در داستان «ویس و رامین» از فخرالدین اسعد گرگانی که نمونه تمام‌عیار یک عشق زمینی است را مورد بررسی قرار می‌دهد. از منطق‌الطّیر عطار نیشابوری در داستان «شیخ صنعان» عشقِ پیر و عارف بزرگی به دختر ترسا را بیان می‌کند که به منظور وصال با دلدار، از مَذهب خویش روی برمی‌گرداند، ولی از آنجا که عشق همواره دوسویه است، دختر ترسا درپی شیخ روان می‌گردد و سرانجام به مرتبه فنای درمعشوق یا همان اتحاد عشق و عاشق و معشوق دست می‌یازد. همچنین داستانی چند از دفاتر شش‌گانه مثنوی شریف که سرشار ازمعانی عاشقانه عرفانی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مولانا در این داستان‌ها، چنانکه شیوه اوست، عشق مینوی میان مرید و مراد یا چگونگی رهروی که خواهان گشایش رازهای نهان است، را بیان می‌دارد که گام‌های پرنشیب‌وفراز طریقت را بی‌پروا می‌پیماید و شیفته‌وار، تهدیدهای نفسِ فرمانروا را نادیده گرفته تا سرانجام به حقایق مینوی دست یازد. منیژه قربانی در تهران به دنیا آمده و تحصیلات دبستانی و دبیرستانی خود را در مدارس فرانسه‌زبان ژاندارک و دبیرستان رازی به پایان رسانیده است. او برای ادامه تحصیل راهی سوییس شد. در دانشگاه ژنو به اخذ لیسانس در رشته اقتصاد و آمار و اکونومتری نایل آمد و از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس در رشته توسعه اقتصادی دریافت کرد. از حدود دودهه پیش به عرفان و به ویژه عرفان مولانا گرایش پیدا کرد و در این زمینه به پژوهش پرداخت. او حاصل تحقیقات خود را درچند کتاب منتشر کرده است: «ژرفای دریا» (پژوهشی پیرامون ۴۰ سروده از دیوان کبیر مولانا جلال‌الدّین محمد از دیدگاه عرفانی و فلسفی)، «کیمیانامه» (تحقیقی درمورد تاریخچه کیمیاگری از بدو پیدایش آن در بخش‌های گوناگون جهان و بازتاب آن درعرفان ایرانی) و «گشایش راز» که در آن مبانی عرفانی مولانا جلال‌الدّین محمد را همراه با سروده‌های دیوان کبیر بررسی کرده است.

صد چاردانه (ترانه‌های فولکلور)

یاسین نمکچیان و علی خوش‌تراش/ انتشارات‌مشکی

کتاب «صد چاردانه»، ترجمه و بازسرایی صد دوبیتی فولکلور گیلکی است که توسط یاسین نمکچیان و علی خوش‌تراش گردآوری و تدوین شده است. این کتاب از سری کتاب‌های نشر «مشکی» است که مجموعه‌ای را به شعر اقوام ایرانی اختصاص داده. در این سری کتاب‌ها، ترجمه و بازسرایی شعر اقوام ایرانی همچون کردی، قشقایی و بلوچی مورد توجه قرار گرفته و در سال‌های گذشته کتاب‌هایی با نام‌های «صد ساو چمانه» ترجمه فریاد شیری، «صد آسانک» ترجمه رسول یونان و «صد لیکو» ترجمه منصور مونی با همین روند منتشر شده‌اند. حالا هم «صد چار دانه» در راستای همین سری کتاب‌ها به بازار آمده. این کتاب در دو بخش تدوین شده است که بخش اول ترجمه و بازسرایی شعرهای گیلکی است و بخش دوم هم مشتمل بر متن گیلکی شعرها. در بخشی از مقدمه این کتاب آمده است: «ترانه‌های مردمی گیلکی سرشار از حسی ساده و بی‌تکلف است که از زندگی روزمره آدم‌ها نشأت می‌گیرد. عشاق در محیطی مادی و انسانی به ابراز علایق خود نسبت به معشوق می‌پردازند که در اکثر موارد بیان احساس به دور از کنایه‌ها و استعاره و با زبانی عریان و بسیار ساده سروده می‌شوند. برهمین اساس ترانه‌های گیلکی... روایتگر زیست آدم‌های این سرزمین‌اند. آنچه این ترانه‌ها را قوام می‌بخشد، راویان و سرایندگان آنها هستند. کشاورزان و دامدارانی که در رویارویی با نامرادی‌های طبیعی، تقدیری و اجتماعی زمان خود، به‌ویژه نظام ارباب رعیتی دلتنگی‌های‌شان را با کلمات به بادها می‌سپردند. در این میان نکته جالب و درخور توجه این است که سراینده نیمی از ترانه‌های رایج در ادبیات شفاهی گیلان، زنان و دختران هستند؛ امری که در خرده‌فرهنگ‌های مشابه به‌ندرت دیده می‌شود.» «صد چاردانه» با ترجمه یاسین نمکچیان و علی خوش‌تراش با قیمت ۱۵۰۰۰ تومان توسط نشر «مشکی» به بازار کتاب آمده است.

به سنِ تو که بودم (ترانه‌های مصور)

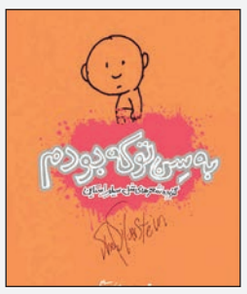

سیلور استاین/ ترجمه علی مرادحسینی/ انتشارات ترفند

آثار سیلور استاین رده سنی نمی‌شناسند، مرزهای هر زبانی را طی می‌کنند و هیچ قشر و گروه و طبقه‌ای نیست که نتواند با آن ارتباط برقرار کند. آن‌قدر ساده می‌نویسد و آن‌قدر پیچیدگی‌های انسانی را به سادگی بیان می‌کند که تو حیرت می‌کنی در حال خواندن چه نوع جملاتی هستی؛ عامیانه یا فلسفی؟ آثار او به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه شده‌اند و حالا هم انتشارات «ترفند» کتابی از او به چاپ رسانده با عنوان «به سنِ تو که بودم» با ترجمه علی مرادحسینی. تصویرگری‌ها هم در این کتاب به همان سبک و سیاق آثار سیلور استاین صفحه‌آرایی شده‌اند. متن انگلیسی کتاب هم در ادامه ترجمه آمده. ترجمه ترانه‌ها هم به‌خوبی انجام شده و مترجم از پس ترجمه ترانه‌ها به شکل عامیانه و آنچه ما به‌عنوان «ترانه» می‌شناسیم برآمده. سیلور استاین در این کتاب گاهی نکاتی ساده و شوخ‌طبعانه را مطرح می‌کند مثل «سحرخیز»: «تو که پرنده‌ای / سعی کن سحرخیزم باشی / تا که تو سفره غذات / کرمی چیزی داشته باشی /که تو پرنده‌ای / سعی کن سحرخیزم باشی /اما اگه یه کرم بودی / بهتره دیر از خواب پاشی!» و گاهی هم ترانه‌ای می‌سازد درباره فروشنده یک کلاه در شهر آدم‌های بی‌سر؛ ترانه‌ای که در همان بدو امر انواع و اقسام تفسیر را تداعی می‌کند. ابتدا از فروشنده‌ای سخن می‌گوید که برای فروختن کلاه به شهر آدم‌هایی آمده که سر ندارند و بعد اشاره می‌کند به او که پیش از این در شهر آدم‌هایی که پا نداشته‌اند، کفش می‌فروخته! گاهی هم نکته‌ای اجتماعی را مطرح می‌کند مثل «پیشگویی سنگین»: «چطور می‌شه حدس بزنیم/ یه پنجره بازه یا نه؟/ یه سنگِ گُنده از زمین ور می‌داریم/ به سمت شیشه‌ش می‌زنیم/ صدا اومد؟ / نه، نیومد / پس باز بوده../ خب حالا سمت اون یکی / تق، شترق! / این نبوده»!

فلسفه تراژدی

جولیان یانگ/ ترجمه حسن امیری‌آرا/ نشر ققنوس

دست‌کم نقشه‌ای نسبتا جامع از گفته‌های فلاسفه غرب ازجمله افلاطون، ارسطو، فیلسوفان پس از ارسطو، هیوم، شلینگ، هولدرلین، هگل و... درباره تراژدی به دست دهد که از افلاطون شروع شود و تا ژیژک ادامه می‌یابد. فلاسفه عموما بر این باورند که سودمندی تراژدی برای آن‌که بر اندوه غلبه کند، باید واقعا پراهمیت باشد، آن‌قدر مهم که تراژدی را برترین شکل ادبیات کند و پرتکرارترین همه هنرها. تراژدی همواره مورد توجه فیلسوفان است و آنها را به تفکر واداشته است. این کتاب بر آن است که نشان دهد درطول دوهزارو ۵۰۰سال گذشته فیلسوفان درمورد تراژدی چه حرفی برای گفتن داشته‌اند. چه چیزی باعث می‌شود داستانی را تراژدی بدانیم؟ چرا با وجود محتوای اندوهبار تراژدی ارزش والایی برای آن قائلیم؟ فلسفه تراژدی، نوشته جولیان یانگ و ترجمه حسن امیری‌آرا، منبعی مفید برای علاقه‌مندان و پژوهشگران حوزه فلسفه و همین‌طور حوزه‌هایی دیگر همچون ادبیات است.

برای مرگ نام دیگری انتخاب کن

محمد پروین/ نشر علم

«هر چقدر هم که زور خودت را بزنی باز همان اتفاقی می‌افتد که باید بیفتد. حالا چه امروز که صبح کمرنگ اردیبهشت است یا فردا که باز صبح کمرنگ اردیبهشت است.»؛ سطرهایی از اولین رمان «محمد پروین» است. بیشتر اتفاقات «برای مرگ نام دیگری انتخاب کن» بین سال‌های ۵۳ و ۵۴ رخ می‌دهد. داستان یک کلنل ارتش که به اجبار مادرش و فرار از زندگی پیشین خود در سال ۳۰ نوازندگی تار را رها کرده و وارد ارتش شده است. کشمکش‌های درونی این کلنل ارتش با خودش و خواسته‌هایش جهت پیش بردن مقاصدش در ارتش برای کسب قدرت بیشتر و نزدیک شدن به دربار که او را حتی تا پای ازدواج مصلحتی می‌کشاند. آنسوی قصه مادری ایستاده که از پسرش پله‌های ترقی درست کرده و تنها هدفش زنده نگه داشتن تبار و نشان خانوادگی است. در کنار روابط پنهانی آدم‌ها، این کتاب پر از اتفاقات غیرمنتظره است؛ داستان با ورود شخصیتی که مدت‌ها پنهان بوده است در یک میهمانی شبانه و ملاقاتش بعد از سال‌ها با کلنل اتفاقات دیگری را رقم می‌زند. این رمان را نشر علم در ۲۹۶ صفحه، به شمارگان ۴۴۰ نسخه و به‌بهای ۲۴هزارو ۵۰۰ تومان منتشر کرده است.

انسان؛ موجودی یک روزه

اروین یالوم/ترجمه نازی اکبری/انتشارات ققنوس

«اروین یالوم» برای اکثر کسانی که درحوزه بهداشتِ روان فعالیت دارند، نامی آشناست. او از دهه ۶۰ میلادی به کار روان‌درمانی مشغول بوده است. یالوم که پدر روان‌درمانی «هستی‌گرا» است، به کار نویسندگی هم می‌پردازد. در کتاب حاضر او، دوچالش اصلی هستی را از نگاه مراجعانش و تا حدی خودش توضیح می‌دهد: دست‌وپنجه نرم‌کردن با چگونه پر معنا زیستن و چگونه با انتهای اجتناب‌ناپذیر هستی کنار آمدن. تمرکز این کتاب نیز بر روایات یالوم از مراجعانش است که به شکل رمانی هستی‌گرایانه نگاشته شده است. زبانی طنز آلود دارد و بی‌تکلف و اغلب تکان‌دهنده و به‌طور صادقانه از سختی‌ها و مبارزه انسان‌ها برای بودن حکایت می‌کند. درعین حال یالوم از میوه‌های زندگی مانند عشق، دوستی و خانواده به منزله وسایل و شیوه‌های اصلی تحمل زندگی نام می‌برد. کتاب انسان موجودی یک‌روزه شامل ۱۰ داستان کوتاه از تجربه‌های این روانکاو و روانپزشک اگزیستانسیالیست است که به زبانی شیوا، این مجموعه را به منبعی معتبر برای درمانگران درحال تعلیم و رمانی گیرا و آموزنده برای عموم تبدیل می‌کند. یکی از ویژگی‌های مهم نوشته‌های «اروین یالوم» تأکید او بر ارتباط و اهمیت آن در درمان است. او معتقد است که اصلاح تعاملات انسانی و «ارتباط» با دیگری کلید درمان اختلالات خلقی و روانی است. یالوم در این کتاب، مانند سایر آثارش، سعی کرده است تا با برقراری رابطه‌ای چارچوب‌دار و مرزبندی‌شده و درعین حال صمیمی و گرم تأثیر تعاملات انسانی را به خواننده نشان دهد.»